



طرح درس «نژادپرستی»

نمایش فیلم‌های کوتاه، مسئله را برای دانش‌آموزان ساده و حس همدلی با موضوع را در آن‌ها تقویت کرد. این طرح درس برای پایه ششم تا دوازدهم به همین شکل قابل اجراست و برای پایه‌های پائین‌تر با ایجاد تغییراتی می‌تواند اجرا شود. قابل ذکر است که اجرای این طرح درس احتمالاً دو یا سه جلسه زمان خواهد برد (شاید هم کافی نباشد و نیاز به مقدمه مفصل‌تری برای ایجاد همدلی در دانش‌آموزان داشته باشد).

زهرآزادفلاح: معلم و تسهیلگر مناسب برای پایه‌های ششم تا دوازدهم حوزه‌های درسی: مطالعات اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی، نگارش، هنر و تئاتر

این طرح درس با موضوع نژادپرستی برای تمامی مقاطع تحصیلی و هر کلاس درسی که دغدغه این موضوع را حس می‌کنند پیشنهاد می‌شود؛ اما برای مقطع دبستان لازم است که تسهیلگر یا معلم برخی از فعالیت‌ها را ساده کند. مثلاً در فعالیت مواجهه با کلیشه‌ها می‌توان از شخصیت‌هایی استفاده کرد که برای بچه‌های کوچک جالب‌تر هستند و یا نمایش‌ها را ساده‌تر برگزار کرد و در صورت لزوم با



مدرسسه
بازتاب



فهرست مطالب

| | | |
|----|-----------------|---|
| ۱. | ضرورت طرح درس | ۳ |
| ۲. | موقعیت نمایشی ۱ | ۴ |
| ۳. | موقعیت نمایشی ۲ | ۷ |
| ۴. | مرور اخبار | ۹ |
| ۵. | جمع بندی | ۹ |

تصویر جلد اثری است از Louisiana Mei Gelpi
از مجموعه How Racism Breaks the Human
Body

تصویر صفحه ۳ اثر Adria Ftuitos

تصویر صفحه ۵ اثر Andre Carrilho

تصویر صفحه ۷ اثر Lisa Wool-Rim



ضرورت طرح درس

وقتی از نژادپرستی و رفتارهای تبعیض آمیز حرف می‌زنیم، اغلب به یاد آلمان نازی و اردوگاه‌ها و کوره‌های انسان‌سوزی می‌افتیم. اما نژادپرستی از آن‌جا آغاز نشده و در همان‌جا پایان نیافته است. به تاریخ کشورها و قبایل که رجوع کنیم، شاهد رفتارهای تبعیض آمیز و خشونت‌بار بسیاری از انسان‌ها نسبت به یکدیگر خواهیم بود. رفتارهایی که متمرکز بر تفاوت‌های نژادی است و بر ویژگی‌هایی از قبیل رنگ پوست، زبان، دین، آداب و رسوم و تاریخ تأکید دارد. سال‌هاست که با آمار و ارقام کشته‌شدگان نژادپرستی

این وقایع را از خود، و شهر یا دور می‌بینیم. اما در لحظاتی با دیگران مواجه می‌شویم که با قتل‌عام ندارد. احساسات و آگاهانه‌ای برای ما قرار ندارند نیستیم. بسیاری از کلیشه‌های پیرامون‌مان از همین احساسات با جهان عرب حس می‌کنیم، همسایه شرقی (افغانستان و کنیز (که معادل برده هستند) از چنین تبعیض‌هایی هستند. خشونت‌آمیز با حکومت‌ها، نادیده بگیریم، در تحلیل نهایی



مواجهه بوده و هستیم. گاهی کشوری که در آن زندگی می‌کنیم با شکلی از رفتارهای تحقیرآمیز آسیب‌های آن تفاوت زیادی رفتارهای تبعیض آمیز در سطح و متوجه تأثیرات منفی آن ذهنی ما در مواجهه با جهان نشأت می‌گیرند. تقابلی که تخصصی که با کشورهای پاکستان) داریم، و جایگاه غلام در فرهنگ و ادبیات، نمونه‌هایی البته اگر نسبت این رفتارهای قانون و قدرت‌های رسمی را

خود به بیراهه می‌رویم. بسیاری از این تبعیض‌ها پشتوانه قانونی دارند و حاکمان و مأموران اجرایی‌شان شدیدترین خشونت‌ها را در همین راستا اعمال می‌کنند. با مرور اخبار دو ماه گذشته در ایران و جهان، با خشونت‌های سیستماتیک مواجه می‌شویم که علیه مهاجران افغانستانی در ایران و علیه سیاه‌پوستان در آمریکا اعمال می‌شود و این‌ها تنها مثال‌هایی از خشونت‌هایی که اعمال می‌شوند هستند. لازم است دانش‌آموزان - به عنوان نسلی که امکان تغییر و بازیابی دارند - در معرض آموزشی انتقادی نسبت به رویکردهای آسیب‌زایی مثل نژادپرستی قرار گیرند. این طرح درس در همین راستا تلاش می‌کند که دانش‌آموزان را با کلیشه‌های ذهنی خود مواجه کند و آن‌ها را نسبت به این مفاهیم حساس کند.

مواجهه با کلیشه‌ها^۱

اسم چند نفر از افراد مشهوری که به واسطه فعالیت‌شان شهرت مثبت یا منفی گرفته‌اند را انتخاب کنید. این افراد را طوری انتخاب کنید که به واسطه آن‌ها بتوان دانش‌آموزان را با کلیشه‌های جنسیتی و نژادی و مذهبی و... مواجه کرد. پیشنهاد می‌شود از این شخصیت‌ها استفاده شود: لایلا خالد، بل هوگس، هیتلر، باب مارلی.

۱ فعالیتی مشابه را می‌توان از این لینک دریافت کنید:



| نام شخصیت | معرفی شخصیت |
|-----------|---|
| لیلا خالد | زن مبارز عرب (فلسطینی) که به دلیل نقشی که در دو هواپیماربایی در سال ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ داشت مشهور شد. |
| پِل هوگس | زن نویسنده و کنشگر اجتماعی آمریکایی. او تحصیلات ابتدایی خود را در مدارس دولتی نژادی (سیاهان) گذراند. دارای مدرک دکتری از دانشگاه ادبیات است و بیش از ۱۰ جلد کتاب در زمینه نظریه‌های فمینیستی و شعر و داستان از او به چاپ رسیده. |
| هیتلر | رهبر حزب نازی در جنگ جهانی که با ترویج ملی‌گرایی و یهودستیزی و ... حامیان زیادی در آلمان به دست آورد. |
| باب مارلی | خواننده (مرد سیاه‌پوست) معاصر جامائیکا، صاحب سبک ریگی (رگه)، ترانه‌سرا، نوازنده گیتار و فعال اجتماعی. |

در مرحله اول قرار نیست اسم و مشخصات آن‌ها برای دانش‌آموزان به نمایش گذاشته شود. اسم هریک از شخصیت‌ها را روی یک کارت کوچک بنویسید. کارت‌ها را به پشت، طوری که اسم‌ها دیده نشوند روی تخته بچسبانید. بنابراین شما به تعداد شخصیت‌ها، کارت‌هایی روی تخته دارید که پشت هریک از آن‌ها یک شخصیت نوشته شده است.

روی کارت، یعنی چیزی که دانش‌آموزان می‌بینند فقط یکی از ویژگی‌های بارز که بیان‌گر جنسیت، نژاد، مذهب و طبقه اقتصادی آن شخصیت نیست را بنویسید. مثلاً روی کارتی که پشت آن اسم لیلا خالد نوشته شده بنویسید «مبارز»، روی کارت پِل هوگس بنویسید «نویسنده»، روی کارت هیتلر بنویسید «رهبر» و روی کارت باب مارلی بنویسید «خواننده». چیزی که دانش‌آموزان روی تخته می‌بینند، این ویژگی‌هاست و اسم شخصیت‌ها پشت کارت مخفی است.

حالا از دانش‌آموزان بخواهید که سایر ویژگی‌ها را حدس بزنند و شخصیت را بسازند. می‌توانید از آن‌ها بپرسید جنسیت هر کدام چیست؟ چیزی که حدس می‌زنند را در مقابل آن بنویسید. از دانش‌آموزان بخواهید که اولین تصویر ذهنی‌شان را بگویند و درباره آن‌ها فکر نکنند. سوالات را می‌توانید با نژاد (رنگ پوست)، ملیت، مذهب، طبقه اقتصادی (پولدار و فقیر)، ویژگی‌های ظاهری (قد، وزن، رنگ چشم، جنس مو و ...)، شخصیتی (مهربان/ بداخلاق، صبور، مقتدر، ضعیف و ...)، ویژگی‌های رفتاری و عادات روزانه و هر چیز دیگری که به ذهن خودتان یا دانش‌آموزان می‌رسد ادامه دهید و پاسخ‌ها را مقابل آن بنویسید. مثلاً ممکن است طبق ایده بچه‌ها درباره شخصیت مبارز: مرد چهارشانه، سفیدپوست، خشن و جدی و ... نوشته شود.

بعد از این که شخصیت‌ها با تصورات ذهنی دانش‌آموزان ساخته شد، کارت‌ها را برگردانید و اسم و مشخصات واقعی هر شخصیت را برایشان بخوانید. از آن‌ها بپرسید که مثلاً چرا برای فلان شخصیت جنسیت مرد را حدس زده‌اند و یا نژاد و ملیت را براساس کدام تصور ذهنی حدس زده‌اند. درباره معنای کلیشه و چگونگی شکل‌گیری کلیشه‌های ذهنی با آن‌ها به گفتگو بنشینید.

تفکر قالبی یا کلیشه‌ای: به یک نظر از پیش تشکیل شده در ذهن جمعی گروه‌هایی از جامعه اشاره دارد که مانع قضاوت و شناخت منطقی افراد نسبت به دیگران شده و ویژگی‌های خاصی را به تمام اعضای یک گروه دیگر یا مجموعه‌ای متفاوت نسبت می‌دهد. این امر سبب می‌شود افراد برپایه اطلاعات ناچیز و تصورات ذهنی خود - که غالباً برگرفته از جامعه یا رسانه‌ها است - بدون آن که شناخت کافی از دیگران داشته باشند، آن‌ها را قضاوت کنند.



موقعیت نمایشی ۱

از قبل نمایشی را با گروهی از دانش‌آموزان آماده کنید و در جلسه بعد از بازی کلیشه‌ها، نمایش را اجرا کنید. نمایش با مضمون یک موقعیت تبعیض‌آمیز طراحی می‌شود: موقعیت کودکی سیاه‌پوست در آمریکا که اجازه ثبت‌نام در مدارس سفیدپوستان را ندارد. کودک مجبور می‌شود در مدارس مخصوص سیاه‌پوستان که فاقد امکانات ضروری و کافی است ثبت‌نام کند. شما طرح اولیه و کلی نمایش را ارائه می‌دهید. وقتی بخش قابل‌توجه و اصلی نمایش برگزار شد، همان لحظه به دانش‌آموزانی که تماشاچی هستند بگویید نمایش داشته باشد؟ یعنی به آن اضافه کند؟ نظراتی طراحی‌شده نمایش یا تغییر بنابراین نمایش می‌تواند از اعمال می‌کنند دوباره اجرا کار دعوت دانش‌آموزان به و قرار نیست به نحوه اجرای مثلا ممکن است دانش‌آموزی کودک سیاه‌پوست گریه به اتاق مدیریت را نمی‌دهند هدایت می‌شوند... مراقب درازا نکشد و به اجرایی بی‌معنا مناسب به پایان برسانید).



بعد از اجرای نمایش، به یک پردازید. هم‌چنین درباره نمایش داشته‌اند، گفت‌وگو محور بحث می‌تواند سوالات معلم تلفیق شود:

۱. به نظر شما چه چیزهایی در این داستان ناعادلانه بود؟ (توجه: بهتر است بحث طوری هدایت شود که به مجموعه‌ای از بی‌عدالتی‌ها اعم از تاثیر رنگ پوست بر رفتارها و حق برخورداری از رفتارهای فارغ از تبعیض، وضعیت تحصیل کودکان و حق برخورداری از تحصیل با کیفیت، حق برخورداری از آرامش و امنیت و امکانات رفاهی برای همه انسان‌ها و ... اشاره شود).

۲. به نظر شما چرا چنین بی‌عدالتی‌هایی شکل گرفته؟

۳. اگر شما جای آن کودک بودید چه می‌کردید؟

۴. اگر شما جای مسئولین مدرسه بودید چه می‌کردید؟

از یکی از دانش‌آموزان بخواهید که متن زیر را بخواند. در این مرحله اگر امکان پخش فیلم در کلاس را دارید، می‌توانید بعد از خواندن کادر زیر، فیلم «I am not your negro» (من کاکاسیاه تو نیستم) را در کلاس به نمایش بگذارید و بعد از فیلم به گفت‌وگو و بحث بیشتری با دانش‌آموزان پردازید. پخش فیلم کمک می‌کند که دانش‌آموزان احساس همدلی بیشتری با موضوع داشته باشند و بتوانند درباره آن اظهار نظر کنند.

سال‌های زیادی در آمریکا قوانین تبعیض‌آمیز نژادی حاکم بود. مثلا مدارس سفیدپوستان از سیاه‌پوستان جدا بود و سیاه‌پوستان حق تحصیل در مدارس سفیدپوستان را نداشتند. این در حالی بود که مدارس مخصوص سیاه‌پوستان برخلاف مدارس سفیدپوستان، فاقد امکانات بود و علاوه بر این، جدایی آنها از دیگران آسیب‌های روانی زیادی برایشان به همراه داشت. در بهار سال ۱۹۵۱، دانش‌آموزان سیاه‌پوست در ویرجینیای آمریکا نسبت به شرایط نابرابر خود در نظام آموزشی تفکیک شده ایالتی معترض شدند. دانش



آموزان دبیرستان موتون اعتراض خود را نسبت به ازدحام و شلوغی بیش از حد دبیرستان و نبود امکانات و تسهیلات ابراز کردند. بعضی از رهبران محلی انجمن ملی پیشرفت سیاه‌پوستان (انجمنی که برای مبارزه علیه قوانین تبعیض‌آمیز شکل گرفته بود) سعی کرده بودند دانش‌آموزان را به کناره‌گیری از اعتراض نسبت به قوانین تفکیک نژادی در مدارس ترغیب کنند. اما دانش‌آموزان به این درخواست بی‌اعتنا ماندند. در نتیجه، انجمن نیز به مبارزه علیه تفکیک نژادی در مدارس ملحق شد. انجمن ملی پیشرفت سیاه‌پوستان با بررسی ۵ پرونده، نظام حاکم بر مدارس را به چالش کشید؛ این اقدامات، بعدها در ترکیب با یکدیگر پرونده‌ای حقوقی را تشکیل دادند.

در ۱۷ می ۱۹۵۴، دیوان عالی ایالات متحده، تصمیم خود را در خصوص پرونده علیه هیئت آموزش و پرورش توپکای کانزاس اعلام کرد. شاکیان این پرونده مدعی بودند که تفکیک بچه‌های سیاه‌پوست از بچه‌های سفیدپوست در مدارس دولتی، برخلاف قانون اساسی است. دادگاه اعلام کرد «تفکیک بچه‌های سفیدپوست از بچه‌های رنگین‌پوست در مدارس دولتی تأثیر زیان‌بخشی روی بچه‌های رنگین‌پوست می‌گذارد. این تأثیر، زمانی که تفکیک نژادی از ضمانت اجرایی قانون برخوردار است، بیشتر نیز خواهد شد؛ چرا که سیاست تفکیک نژادی معمولاً به عنوان سیاستی برای دوز و پست خواندن سیاه‌پوستان تعبیر شده است.» (منبع: ویکی‌پدیای فارسی)

اعتراضات و جنبش‌های مشابه زیادی در آن سال‌ها علیه قوانین تبعیض‌آمیز نژادی صورت گرفت. برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به تحقیق و مطالعه بیشتر بپردازید.

اکتشاف یا استعمار؟

از دانش‌آموزان بپرسید «کریستف کلمب که بود؟» احتمالاً داستان‌هایی درباره شخصیتی ماجراجو که قاره آمریکا را کشف کرده تعریف می‌کنند. بعد از شنیدن داستان‌ها و روایت‌هایشان از ماجرای کریستف کلمب مطالب کادر زیر را برایشان بخوانید.

کریستف کلمب یک سوداگر و دریانورد اهل جنوا در ایتالیا بود که بر حسب اتفاق قاره آمریکا را کشف کرد. او که از طرف پادشاهی کاستیل (بخشی از اسپانیا) مأموریت داشت تا راهی از سمت غرب به سوی هندوستان بیابد، در سال ۱۴۹۲ با سه کشتی از عرض اقیانوس اطلس گذشت اما به جای آسیا به آمریکا رسید. کلمب هرگز ندانست که قاره‌ای ناشناخته را کشف کرده است.

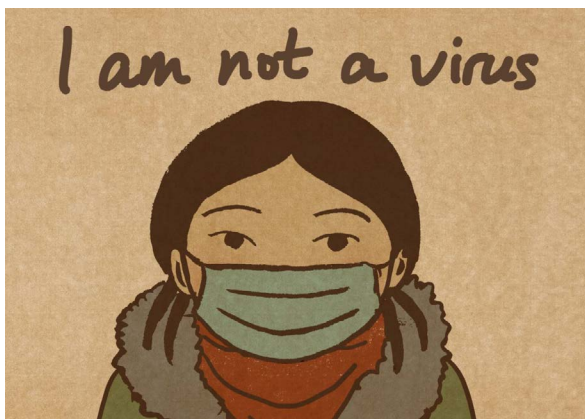
کریستف کلمب از چهره‌های بحث‌برانگیز تاریخ است. برخی -از جمله اکثر سرخ‌پوستان آمریکا- او را مسئول مستقیم یا غیرمستقیم کشتارده‌ها میلیون نفر از مردم بومی و عامل استثمار آمریکا از سوی اروپا می‌دانند.

در سفر دوم، کلمب با ناوگانی از هفده کشتی مجهز با همراهی یک گروه ۱۲۰۰ نفری جهت استعمار و سرکوب بومیان، عازم آمریکا شد.

هنگامی که اروپاییان استعمار قاره آمریکا را آغاز کردند، بردگان را برای کار کردن در کشتزارها و معادن جدید از آفریقا بدان‌جا بردند. بین سال‌های ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ میلادی در حدود ۱۵ میلیون سیاه‌پوست آفریقایی به قاره آمریکا انتقال یافتند. تجار برده آن‌ها را از غرب آفریقا می‌خریدند. بیش‌تر در زیر عرشه کشتی، برده‌ها را با زنجیر به هم می‌بستند تا قادر به فرار یا پریدن به دریا نباشند. تقریباً از هر ۵ برده یک نفر در مسیر گذرگاه میانی می‌مرد (از مجموع ۳ میلیون نفر). پرتغالی‌ها کشتی‌های حامل برده خود را تابوت می‌نامیدند.



موقعیت نمایشی ۲



با گروه دیگری از دانش‌آموزان نمایش دوم را آماده کنید. این بار موقعیت کودک افغانستانی در ایران که اجازه ثبت‌نام در مدارس دولتی ندارد را موضوع نمایش قرار دهید. او مجبور می‌شود با پرداخت شهریه در مدارس مخصوص کودکان افغانستانی ثبت‌نام کند. این بار هم به همان شیوه نمایش اول، مداخله دانش‌آموزان در نمایش را جلب کنید. بسیاری از دانش‌آموزان در موقعیت‌های مختلف درک و تجربه‌ای از حضور مهاجران افغانستانی دارند و احتمالاً با کمک تصویرهای ذهنی خود در نمایش مداخله خواهند کرد. از آن‌ها بخواهید که ایده نمایش برای موقعیتی خارج

از مدرسه را هم بدهند. آن‌ها درک و حسی از نمایش دانش‌آموز افغانستانی داشته‌اند و می‌توانند آن را در موقعیت‌های مختلف هم ترسیم کنند. از آن‌ها بپرسید که مشابه چنین تجربه و چنین حس و اتمسفری در کدام فضاها احتمالاً وجود دارد و بخواهید که آن موقعیت‌ها را به نمایش بگذارند. (مثل موقعیت‌های همسایگی یا شهروندی هنگام خرید از فروشگاه، یا فضاهای کاری و...).

هنگامی که به بحث و گفت‌وگو با دانش‌آموزان می‌پردازید، در کنار رویکردهای مختلف احتمالاً با دو رویکرد نیز مواجه خواهید شد؛ گروهی که با نگاه ترحم‌آمیز به موقعیت فرودست مهاجران افغانستانی، آن‌ها را انسان‌هایی خوب و بی‌آزار می‌دانند، و گروهی که به تصمیم شخصی افغانستانی‌ها برای مهاجرت اشاره می‌کنند و می‌پرسند که اگر زندگی در ایران برایشان دشوار است چرا به کشور خود بر نمی‌گردند؟ بنابراین بهتر است فعالیت‌هایی برای به چالش کشیدن این دو رویکرد داشته باشید. مشابه سوالاتی که بعد از نمایش کودکان سیاه‌پوست طرح شد، این جا هم می‌توان پرسش‌هایی را مطرح کرد و علاوه بر آن‌ها، موارد زیر را نیز پرسید:

۱. مهاجران افغان را اغلب در چه موقعیت‌های شغلی‌ای دیده‌اید؟ تاکنون هیچ افغانستانی را در سمت مدیریت دیده‌اید؟
۲. کودکان و زنان مهاجر افغان را اغلب در چه موقعیت‌هایی دیده‌اید؟
۳. آیا تاکنون همکلاسی افغانستانی داشته‌اید؟
۴. آیا تا به حال دوست و همبازی افغانستانی داشته‌اید؟
۵. آیا با خانواده‌ای از مهاجران افغانستانی همسایه بوده‌اید؟ (داشتن سرایدار افغانستانی شامل این موضوع نمی‌شود).
۶. آیا با خانواده‌ای از مهاجران افغانستانی معاشرت خانوادگی دارید؟

بحث و گفت‌وگو را طوری هدایت کنید که دانش‌آموزان به تأثیر متقابل طبقه اقتصادی و دیدگاه‌های نژادپرستانه نیز توجه کنند. این که وضعیت اقتصادی مزید بر علت می‌شود که مهاجران افغانستانی بیشتر در موقعیت فرودست قرار بگیرند. و یا این که چگونه رفتارهای نژادپرستانه موجب تشدید وضعیت فرودست اقتصادی مهاجران می‌شود و آن‌ها را به سمت مشاغل هدایت می‌کند که به لحاظ اجتماعی و اقتصادی در موقعیت فرودست قرار گیرند.

چرا مهاجرت؟

ممکن است این سوال برای دانش‌آموزان مطرح شود که چرا چنین مهاجرت‌هایی صورت گرفته و می‌گیرد و یا چرا مهاجران به کشور خود باز نمی‌گردند. با آن‌ها درباره انواع مهاجرت به گفت‌وگو بپردازید. این که بیش از ۵۰ سال است که مهاجران و پناهجویان افغانستانی در پی ناامنی و جنگ‌های طولانی و نبود اشتغال در افغانستان به کشور ایران مهاجرت کرده‌اند. این وضعیت مشابه شکلی از مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور در دهه پنجاه بوده است. هنگامی که کشوری درگیر ناآرامی‌هایی می‌شود، بحران‌هایی به



همراه دارد که موجب مهاجرت اجباری شهروندان آن کشور می‌شود و این وظیفه کشورهای دیگر است که با پذیرش آن‌ها و دادن امکانات، از شهروندان کشورهای جنگ‌زده حمایت کنند. با دانش‌آموزان خود از این سخن بگوئید که محل تولد و امکانات محیطی چیزی نیست که انسان‌ها حق انتخاب آن را داشته باشند و ناشی از یک جبر جغرافیایی و تحمیل حاکمان و مرزبندی‌های غیرانسانی است و مهاجرت و آزادی در انتخاب محل زندگی باید از حقوق انسانی باشد.

چرا افغانستانی‌ها به ایران مهاجرت کردند؟

تعدادی کارت کوچک درست کنید و روی هر کدام از آنها یک کلیدواژه بنویسید. کلیدواژه‌ها: همسایه مرزی/ نیروی کار ارزان/ کارفرما/ بیمه مشاغل/ کارگر/ شباهت فرهنگی/ شباهت زبانی/ شباهت مذهبی و هر کلیدواژه دیگری که شما را به علت‌های مهاجرت افغانستانی‌ها با ایران می‌رساند. روی تخته دو ستون رسم کنید. بالای یک ستون بنویسید «چرا افغانستانی‌ها ایران را انتخاب کرده‌اند» و بالای ستون دیگر بنویسید «حضور مهاجران افغانستانی چه سودی برای ایران داشته». کارت‌ها را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید و از آنها بخواهید در مورد هر کارت بحث و گفت‌وگو کنند و آنها را زیر یکی از ستون‌ها قرار دهند و در پایان با کمک کلیدواژه‌ها و تیتراستون‌ها به یک تحلیل نهایی در خصوص علت این مهاجرت برسند. به جمع‌بندی پردازید؛ اینکه مرز مشترک و شباهت‌های میان ایران و افغانستان موجب انتخاب ایران برای مهاجرت شده و از طرفی هم حضور افغانستانی‌ها به عنوان نیروی کار ارزان و بیمه نشدن آنها به نفع کارفرمایان ایرانی بوده است. قرار گرفتن مهاجران افغانستانی در مشاغل کارگری موجبات فرودستی مضاعف آنها را فراهم کرده است. در تمام کشورها با «مهاجران» به عنوان شهروندان درجه دو رفتار می‌شود که آنها را در موقعیت اقلیت فرودست قرار می‌دهد. همچنین شغل کارگری به دلیل دستمزد پائین و نگاه سلسله مراتبی به مشاغل، در مرتبه پایینی قرار دارد. این دو موقعیت همزمان موجب فرودستی مضاعف مهاجران افغان شده و یکدیگر را تشدید کرده‌اند.

چطور صدایش کنم؟

یکی از رفتارهای تحقیرآمیز نسبت به یک «دیگری»، خطاب قرار دادن او با القاب تحقیرآمیز است. از دانش‌آموزان بپرسید که با چه عناوینی از مهاجران افغان یاد می‌شود و چه چیزهایی شنیده‌اند؟ کلمات افغانستان، افغانی، افغان و افغانستانی را روی تخته بنویسید و از دانش‌آموزان بپرسید به نظرشان هر یک از کلمات زیر برای چه چیزی استفاده می‌شود؟ سپس برایشان توضیح دهید که افغانی واحد پول افغانستان است و خطاب قرار دادن افغانستانی‌ها با واحد پولشان وجه تحقیرآمیز دارد و باید از کلمات افغان یا افغانستانی استفاده شود.

شما تاریخ را پیشاپیش بنویسید.

در کادر اول خواندیم که جنبش سیاه‌پوستان برای حذف قوانین تبعیض‌آمیز و دیدگاه‌های نژادپرستانه چطور آغاز شد و البته سفیدپوستانی هم برای رسیدن به جهانی عادلانه‌تر به این جنبش‌ها پیوستند. در تاریخ کشورهای مختلف دانش‌آموزان نقش فعالی در تغییر یک وضعیت داشته‌اند. مثل آن چیزی که درباره جنبش سیاه‌پوستان و نقش دانش‌آموزان در آن سال‌ها فهمیدیم. در ایران هم دانش‌آموزان زیادی در تاریخ جنبش‌ها نقش داشته‌اند. مثل حضور و فعالیت دانش‌آموزان در روزهای انقلاب ۱۳۵۷ و اعتصابات در سال‌های پیش از انقلاب و حتی جنبش‌های اخیر؛ به عنوان مثال اعتراضات دانش‌آموزان به دستگیری و حبس معلم‌هایشان. خوشبختانه در قوانین ما هم به حق عضویت در احزاب سیاسی و مشارکت سیاسی شهروندان اشاره شده و شرکت در اعتراضات و راهپیمایی‌ها یکی از حقوق شهروندان است و شهروندان می‌توانند با شرکت در راهپیمایی‌ها اعتراض خود را اعلام کنند و نسبت به تغییر یک وضعیت فعالیت کنند. از سوی دیگر مسئولان نیز همواره بر اهمیت حضور و نقش دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند. تصور کنید چند سال دیگر تغییراتی در ایران رخ داده و در کتاب‌ها، تاریخ جنبش‌ها و تغییرات قوانین و رفتارهای تبعیض‌آمیز در ایران را می‌خوانید. به نظرتان احتمالاً چه اتفاقاتی در ایران افتاده و چه جنبش‌هایی برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز شکل گرفته است؟ شما چقدر در این تاریخ حضور دارید و چه می‌کنید؟ تخیل کنید و درباره‌اش بنویسید.



مرور اخبار

خبرهای زیر را برای دانش‌آموزان بخوانید. در این بخش دانش‌آموزان وقایع و کشتارهای نژادپرستانه کشورهای مختلف را کنار هم می‌شنوند و می‌توانند به یک جمع‌بندی درخصوص شباهت میان آن‌ها برسند.

- طی جنگ جهانی دوم بیش از یک میلیون یهودی در اردوگاه‌های آلمان نازی به رهبری هیتلر کشته شدند.
 - در تاریخ ۲۵ مه ۲۰۲۰ یک سیاه‌پوست آمریکایی به نام جورج فلویید با فشار زانوی پلیس سفیدپوست آمریکایی بر گردنش، جان داد.
 - در نیمه دوم قرن نوزدهم کشورهای استعمارگر اروپایی به منظور سلطه بر مناطق مختلف قاره آمریکا دست به کشتار بومیان آمریکا (سرخ‌پوستان) زدند.
 - طی نسل‌کشی مسلمانان میانمار از سال ۲۰۱۶ تاکنون بیش از یک میلیون مسلمان مورد آزار و اذیت دولت میانمار قرار گرفته و به کشورهای همسایه فرار کرده‌اند.
 - در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۹ تعداد ۵۷ نفر افغانستانی هنگام عبور از مرز توسط مرزبانان ایرانی دستگیر و شکنجه شدند که از آن تعداد ۲۳ نفرشان کشته و در هریرود غرق شدند.
 - در تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۹۹ یک خودرو حامل مهاجران افغانستانی در یزد با شلیک پلیس آتش گرفت و سه تن کشته و پنج تن دچار سوختگی شدید شدند.
- از آن‌ها بپرسید با شنیدن این اخبار چه چیزهایی به ذهنشان می‌رسد و این خبرها چه شباهت‌هایی با هم دارند؟ چه اتفاق مشابهی در تمامشان رخ می‌دهد؟

جمع‌بندی

بسیاری از رفتارهای ما تحت تأثیر تفکرات قالبی است و در سطح آگاهانه‌ای قرار ندارد. یعنی ممکن است از چیزی خوشمان نیاید یا چیزی را دوست داشته باشیم ولی آگاه نباشیم که این احساسات از کجا ریشه گرفته و چقدر درست یا واقعی است. این تفکرات قالبی باعث می‌شود که عده‌ای خود را برتر و محق‌تر بدانند و نتیجه آن بروز رفتارهایی همراه با خشونت یا تبعیض باشد. گاهی با خشونت می‌خواهیم دیگران پست را از خود دور کنیم و گاهی هم با دیده‌ترحم می‌خواهیم وجدان خود را با صدقه یا توجه آرام کنیم. در هر صورت تا زمانی که نگاه برابر به شأن انسانی افراد نداشته باشیم، رفتارهایی آسیب‌زا خواهیم داشت. اما این تفکرات قالبی و نگاه تحقیرآمیز یا تحسین‌آمیزی که نادرست در انسان‌ها شکل می‌گیرد از کجا می‌آیند و چگونه تقویت می‌شوند؟ شاید با نگاه دقیق‌تر به تاریخ کشورها، قوانین و رفتار حکومت‌ها و تبلیغات رسانه‌ها بهتر و بیشتر بفهمیم که قراردادن عده‌ای از انسان‌ها در موقعیت فرودست و تحقیر و حذف کردن‌شان به نفع چه کسانی است، قدرت و ثروت چه کسانی را بیشتر می‌کند و چگونه گروهی از آدم‌ها از رویکردهای نژادپرستانه برای رسیدن به منافع‌شان حمایت می‌کنند. زمانی که آگاهی ما درباره یک رفتار و سیستم سلطه‌گر بیشتر شود، نوبت به این می‌رسد که نقش خود را در ادامه یافتن یا متوقف کردن آن تعریف کنیم.

